

خوانشی از مناظره در باب شریعت و عقلانیت^۱

اشاره

مناظره استاد ابوالقاسم علیدوست و دکتر عبدالکریم سروش باعنوان «شریعت و عقلانیت» در سه بخش کلی، سامان یافت. بخش نخست به گستره شریعت و فقه اختصاص یافته است؛ بخش دوم، بیشتر ناظر به نسبت و مناسبات فقه و عقل متمرکز شد و بخش سوم باعنوان فقه و عرف به پایان رسید.

۱. گستره فقه

قسمت اول مناظره، با سخنان دکتر سروش درباره غیراخلاقی و ناکارآمدی فقه شروع شد. استاد علیدوست با تفکیک برخی از گزاره‌های فقهی (مانند شروط صحت نماز و صحت وضو) از بنیاد دانش فقه و نظام فقه‌ها که اخلاق‌گرا است، بطلان اتهام تهی بودن نظام فقه از اخلاق را تبیین کرد. او با ذکر گزاره‌های اخلاقی دانش فقه (مانند حرمت کذب، حرمت خیانت، حرمت غیبت و تعریف فسق و عدالت، ذکر گناهان کبیره و...)، نشان داد که ادعای تهی ماندن فقه از اخلاق، ناشی از نداشتن نگاه جامع به دانش فقه است.

۱. مقاله حاضر برگرفته از: شبکه اجتهاد <http://ijtihadnet.ir> می‌باشد.

دکتر سروش به بحث فربه‌شدن دانش فقه نیز پرداخت که استاد علیدوست با نقل آنچه که در کتاب **فقه و عرف** نوشته، قلمرو فقه را تابعی از قلمرو شریعت دانسته و سخن را به قلمرو شریعت کشاند و نشان داد که از نظرگاه کلامی چون شریعت، گستره گسترده‌ای دارد، پس فقه هم باید متناسب با همان گستره حق گسترش دارد با این حال اموری هم هستند که از قلمرو خارج هستند. با طرح مباحثی از قبیل آیات مبین غایات شریعت، این نکته را نیز تبیین کرد که دیدگاه دکتر سروش درباره انتظار از دین، به سبب فقدان معیار دقیق در تعیین این انتظار و نیز نداشتن معیار درست در تعریف دین و... آسیب دیده است.

استاد علیدوست در میانه مناظره از حالت دفاعی خارج شد و به نقد این سخن دکتر سروش نیز پرداخت که بارها گفته بود، روایات صحیح ما مانند انگشتی است که در تلی از زباله.

دکتر سروش با استناد به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوُكُمْ» (مائده: ۱۰۱) سعی کرد فقه را به یک بسط غیرموجه و منافی با این آیه، متهم کند و این پرسش را نیز پرسید که چرا فقها از این آیه بحث نمی‌کنند؟ استاد علیدوست با تبیین دقیق معنای این آیه مباحثی از دانش فقه را مطرح کرد که در آنها این آیه نیز بحث و بررسی شده است.

قسمت اول مناظره که با دکتر سروش شروع شد به نکات پایانی استاد علیدوست ختم شد. علیدوست در این قسمت پایانی، مناظره را از تعارف و خونسردی خارج کرد و با قاطعیت و صلابت بیشتری مناظره را ختم نمود.

۲. نسبت و مناسبات فقه و عقل

در قسمت دوم مناظره که استاد علیدوست شروع‌کننده بود، نخست سروش را با این نقد مواجه کرد که چرا هنگام نقد دانش فقه، فقیهان را به تعابیری گزنده و غیراخلاقی و



بی فایده و غیرمصلحانه می‌نوازد؟ آنگاه این سخنان سروش را درباره روایات صحیح امامیه که آن را مانند انگشتی در میان تلی از زباله معرفی کرده بود! نوعی فرهنگ‌سوزی و کتاب‌سوزی نرم که از کتاب‌سوزی‌های گرم هم ویرانگرتر و ضدتمدنی‌تر است، معرفی کرده و از او خواست که با این تعبیر راه حقیقت‌جویان و مهتدیان را در استفاده از میراث روایی امامیه محروم نکند.

این پرسش علیدوست موجب شد سروش اقرار کند که وقتی می‌گوید: فقیهان چنین چنان‌اند، منظورش فقط برخی از فقیهان است و به‌طورکلی دانش فقه را قبول دارد! و وصیت کرده که در کنار قبر فقیه بزرگواری مانند فیض کاشانی دفن شود! گرفتن چنین اقراری از عبدالکریم سروش، بخش مغتنم این مناظره بود.

این مناظره، از میانه وقت، به تدریج وارد مسائلی مانند رابطه فقه با عقل نیز رابطه فقه با حقوق و تکالیف، شد. استاد علیدوست با استفاده از روایات اهل بیت علیهم‌السلام توضیح داد که فقیه اگر روایتی را با عقل منافی ببیند، عقل را مقدم می‌کند. او ظرفیت عقل و عقلا و عرف را از ظرفیت‌های مهم دانش فقه دانست که فقه با آن بنیاد عقلانی و خردپسند خود را سامان می‌دهد. با این حال قلمرو عقل را هم محدود کرد و نشان داد که عقل در فقاهت قلمرو مشخصی دارد.

در این بخش به تدریج محل نزاع طرفین درباره رابطه فقه و عقل مشخص شد و سروش، استاد علیدوست را با این مسئله و چالش مواجه کرد که عقل را وقتی به «عقلا بما هم عقلا» برمی‌گردانید، غیرقابل کشف و خارج از دسترس می‌شود؛ بنابراین باید در عقل باید همین خواست عقلای امروزی جهان را معیار قرار بدهید و فقه را تابع همین عقل انسان تاریخی (خواست عقلا) بکنید تا در مباحثی مانند فقه و حقوق بشر، یا فقه و اعدام و قصاص و... راه حل داشته باشید.

۳. فقه، عقلا و عرف

قسمت سوم مناظره با ورود به ریزمسئله‌های فقه، عقل و عقلا یا عرف، ادامه یافت و استاد علیدوست با ارجاع مکرر بینندگان به کتاب **فقه و عقل**، سعی کرد که از باور فقیهانه عقل دفاع کند. او سعی کرد با ارائه نمونه‌هایی که فقه از عقل و عقلا بهره جسته نشان دهد که آنچه فقه به نام عقل و عقلا معرفی کرده کاملاً در دسترس و ممکن‌الاثبات و ممکن‌الحصول است. این نکته را نیز مطرح کرد که این چالش تنها چالش دانش فقه نیست؛ چون آقای سروش هم وقتی می‌خواهد از عقل انسان تاریخی نیز استفاده کند، همین مشکل را دارد. از سوی دیگر با اشاره به اینکه عقل انسان تاریخی که مورد تأیید سروش است انسان معاصر را به سوی تأیید سقط جنین و جنگ علیه بشریت و کودکان و ... پیش برده است! و کارآیی سندی و استقلالی عقل را از کارآیی ابزار عقل تفکیک کرد.

در نهایت این مناظره، استاد علیدوست با نقل قول‌هایی از کتاب‌های غزالی و فیض کاشانی که همواره سخنانشان مورد اعتماد و اعتنای دکتر سروش است، نشان داد که آن دو اندیشمند چه نگاه بلندی به دانش فقه دارند و از دکتر سروش خواست که در گفته‌ها و نوشته‌هایشان، سخنان فیض و غزالی را گزینشی به جوانان و شاگردان خود تحویل ندهد و از اعتماد شاگردان خود، امانت‌دارانه سوءاستفاده نکند.^۱

۴. نامه تقدیر آیت‌الله نوری همدانی

حضرت آیت‌الله حسین نوری همدانی از مراجع تقلید در پیامی کوتاه با اشاره به مشاهده آثار و تألیفات آیت‌الله ابوالقاسم علیدوست آن را حاکی از فکر بلند این عضو جامعه

1. <http://ijtihadnet.ir>.

مدرسین و فقاہت وی دانست. حضرت آیت اللہ نوری همچنین از حضور آیت اللہ
علیدوست در مناظرات و پاسخ گویی به شبهات تشکر کرد.
متن یادداشت این مرجع تقلید به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

دانشمند محترم حاج شیخ ابوالقاسم علیدوست (دامت توفیقاته)

تألیفات و آثار علمی جنابعالی که برای اینجانب ارسال فرمودید حاکی از فکر بلند و
فقاہت شما می باشد. خصوصاً ورود به عرصه مناظرات و مسائل روز که از نیازهای
حوزه های علمیه می باشد، موجب مسرت گردید. توفیقات حضرت عالی را از خداوند
متعال خواستارم.

حسین نوری همدانی، ۱۴۰۳/۸/۱۴

